تاریخ مشروطه درس عبرت است

بهره‌ای از کلام امام خمینی به مناسبت ایام شهادت آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و سالروز صدور فرمان مشروطیت

اشاره

امروز چهاردهم مردادماه، سالروز امضای فرمان مشروطیت و پذیرش خواسته‌های مردم انقلابی ایران به رهبری روحانیت ازسوی رژیم شاهی قاجار است. نهضتی که متأسفانه در مدت زمان کوتاهی به انحراف کشیده شد و تلاش‌های مردم و علمای اسلام را نافرجام گذاشت. فرمان مشروطیت در اصل موافقت با تشکیل مجلس شورای ملی بود که مظفرالدین شاه قاجار در پی قیام و نهضت عمومی مردم به رهبری روحانیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی ناچار به امضای آن شد و با این امضا خواسته انقلابیون را که خواهان مشارکت مردم در حکومت و اجرای احکام اسلام بودند، پذیرفت. اما این موفقیت در اندک زمانی با خیانت برخی روشنفکرنمایان و خودفروختگان به فرهنگ غرب به انحراف کشیده شد. هنگامی که اولین نشانه‌های انحراف در نهضت مشروطه آشکار شد، تنها عده‌ای معدود این نشانه‌ها را دریافتند و برای حفاظت از نهضت مردم و خون‌هایی که پای آن ریخته شده بود به پا خاستند که در رأس آنان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود. شیخ شهید که با تمام وجود در برابر این انحراف ایستاد، عاقبت جان عزیز خود را تقدیم کرد. امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، درباره علل انحراف در نهضت مشروطیت و مسائلی که موجب شهادت مظلومانه آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری گردید، نکات و تحلیل‌هایی روشنگرانه‌ای دارند که گزیده‌ای از این نکات را تقدیم خوانندگان گرامی روزنامه می‌نمائیم.

***

... در مشروطه دیدند که یک ملّا یا چند ملّا در نجف و چند معمَّم و ملّا در تهران اساس استبداد و حکومت خود کامه‌ای که در آن وقت بود آن را به هم زدند و مشروطه را مستقر کردند. و در این مسائل آنهایی که مخالف هم بودند از پا ننشستند. آنها هم فعالیت خودشان را می‌کردند، که حالا بخواهیم همه را بگوییم طولانی است. لکن راجع به همین مشروطه و اینکه مرحوم شیخ فضل‌الله – شیخ فضل‌الله نوری – که معتقد به مشروطه مشروعه بود، او در دادگاهی که به ریاست یک روحانی تشکیل شد به اعدام محکوم و به‌دار آویخته شد. رحمه الله، ایستاد که مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین موافق اسلام باشد. در همان

***تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می‌بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت، دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد. نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه، علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه، یک دسته مخالف مشروطه**

وقت که ایشان این امر را فرمود، و مُتمِّم قانون اساسی هم از کوشش ایشان بود، مخالفین، خارجیها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می‌دیدند، کاری کردند در ایران که شیخ فضل‌الله مجاهد مجتهدِ دارای مقامات عالیه را، یک دادگاه درست کردند، و یک نفر منحرف، روحانی نما، او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه، شیخ فضل‌الله را در حضور جمعیت به‌دار کشیدند." (صحیفه امام، ج۱۳، ص۳۵۸)

... دوران مشروطه را که همه آقایان شنیده‌اند یک عده‌ای که نمی‌خواستند که در این کشور اسلام قوه داشته باشد و آنها دنبال این بودند که اینجا را یا به نحوی طرف خودشان بکشانند، آنها جوسازی کردند به طوری که مثل مرحوم آقا شیخ فضل‌الله که آن وقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود همچون جوسازی کردند که در میدان علنی ایشان را به‌دار زدند و پای آن هم کف زدند و این نقشه‌ای بود برای اینکه اسلام را منعزل کنند و کردند و از آن به بعد دیگر نتوانست مشروطه یک مشروطه‌ای باشد که علمای نجف می‌خواستند، حتی قضیه مرحوم آقا شیخ فضل‌الله را در نجف هم یک جور بدی منعکس کردند، که آنجا هم صدایی از آن در نیامد. این جوی که ساختند در ایران و در سایر جاها، این جو اسباب این شد که آقا شیخ فضل‌الله را با دست بعضی از روحانیون خود ایران محکوم کردند و بعد او را آوردند و در وسط میدان و به‌دار کشیدند و پای آن هم ایستادند کف زدند و

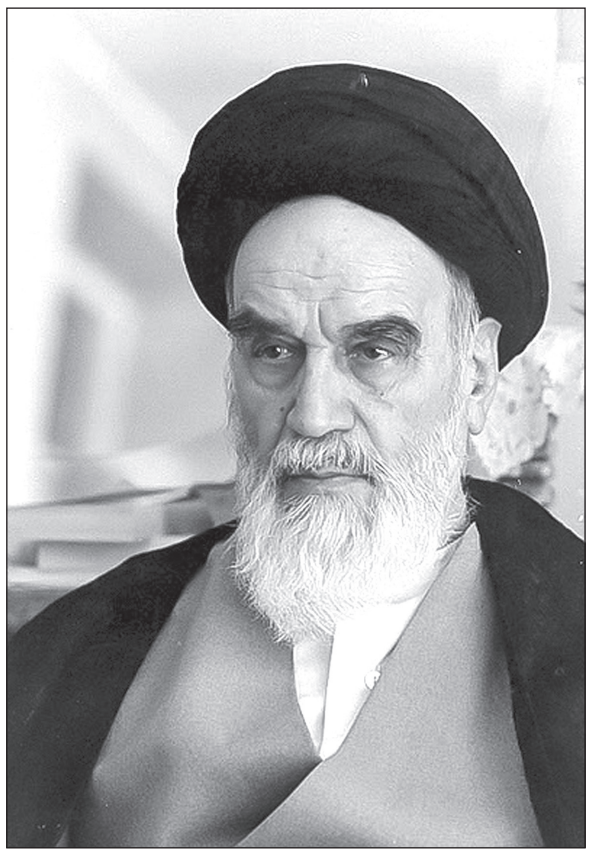

شکست دادند اسلام را در آن وقت و مردم غفلت داشتند از این عمل، حتی علما هم غفلت داشتند. (همان، ج۱۸، ص۱۸۱)

... تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می‌بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت، دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد. نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه، علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه، یک دسته مخالف مشروطه. اهل منبر یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می‌کردند، یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه‌ای دو تا برادر اگر بودند، مثلا در بسیاری از جاها این مشروطه‌ای بود، آن مستبد. و این یک نقشه‌ای بود که نقشه هم تأثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علماء بزرگ طرحش را ریخته بودند، عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند. تا آنجا که مثل مرحوم "حاج شیخ فضل‌الله نوری" در ایران برای خاطر اینکه می‌گفت باید "مشروطه مشروعه" باشد و آن مشروطه‌ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم، در همین تهران به‌دار زدند و مردم هم پای او رقصیدند یا کف زدند. در مشروطه در عین حالی که ابتدائش نبود این مسائل، لکن آنهایی که می‌دیدند که از مشروطه ضربه می‌بینند، منافعشان از بین می‌رود – نمی‌گذارد – قانون اساسی، که موافق با اسلام باید باشد و اگر مخالف شد، قانونیت ندارد، نمی‌گذارد که اینها هرکاری می‌خواهند بکنند، بکنند یک دسته از همان مستبدین، مشروطه خواه شدندو افتادند توی مردم. همان مستبدین بعدها آمدند و مشروطه را قبضه کردند و رساندند به آنجایی که دیدید و دیدیم. زمان "میرزای شیرازی" هم می‌خواستند یک همچو کاری بکنند. مرحوم میرزا که دخانیات را تحریم فرمود، شیاطین افتادند و در بین مردم و به آنجا رساندند که بعضی از اهل علم بعضی از شهرها بالای منبر – به طوری که نقل می‌کنند – قلیان کشید بر ضد حکم مرحوم میرزا، لکن میرزا چون قدرتش قدرت فوق‌العاده بود، و از این طرف هم طرفداران او مثل میرزای آشتیانی قوی بود و قدرتمند، نتوانستند آنجا کاری بکنند. در مشروطه اینطور نبود، در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند، بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلافات را ایجاد کردند و این، اینطور نبود که خود به خود ایجاد شد، ایجاد کردند در بین آنها. ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبادا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون، بیفتند اشخاصی، یا در بین مردم وسوسه کنند و خدای نخواسته آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد. (صحیفه امام، ج۱۸، ص۱۷۰ و ۱۷۱)

... در جنبش مشروطیت همین علما در راس بودند و اصل مشروطیت اساسش از نجف به دست علما و در ایران به دست علما شروع شد و پیش رفت. این قدری که آنها می‌خواستند که مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد، شد لکن بعد از آنکه شد، دنباله‌اش گرفته نشد. مردم بیطرف بودند، روحانیون هم رفتند هر کس سراغ کار خودش، از آن طرف عمال قدرت‌های خارجی و خصوصا در آن وقت انگلستان در کار بودند که اینها را از صحنه خارج کنند یا به ترور و یا به تبلیغات گویندگان و نویسندگان، آنها کوشش کردند به اینکه روحانیون را از دخالت در سیاست خارج کنند و سیاست را بدهند به دست آنهایی که می‌توانند به قول آنها، یعنی فرنگ رفته‌ها و غرب زده‌ها و شرق زده‌ها و کردند آنچه را کردند، یعنی اسم مشروطه بود و واقعیت استبداد، آن استبداد تاریک ظلمانی، شاید بدتر از (این) زمان، و حتما بدتر از زمان‌های سابق." (همان، ج۱۵، ص۲۰۲)

...دستهای اجانب برای اینکه مسلمین و روشنفکران مسلمان را، که نسل جوان ما باشند،

***در دوران مشروطه یک عده‌ای که نمی‌خواستند در این کشور اسلام قوه داشته باشد و دنبال این بودند که اینجا را یا به نحوی طرف خودشان بکشانند، جوسازی کردند به طوری که مثل مرحوم آقا شیخ فضل‌الله که آن وقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود، در میدان علنی ایشان را به‌دار زدند و پای آن هم کف زدند و این نقشه‌ای بود برای اینکه اسلام را منعزل کنند**

از اسلام منحرف کنند، وسوسه کرده‌اند که اسلام چیزی ندارد؛ اسلام پاره‌ای احکام حیض و نفاس است... بیگانگان برای مطامع سیاسی و اقتصادی که دارند از چند صد سال پیش اساس را تهیه کرده‌اند؛ و به واسطه اهمالی که در حوزه‌های روحانیت شده موفق گشته‌اند. کسانی در بین ما روحانیون، بوده‌اند که ندانسته به مقاصد آنها کمک کرده‌اند تا وضع چنین شده است.

گاهی وسوسه می‌کنند که احکام اسلام ناقص است. مثلاً آیین دادرسی و قوانین قضایی آن چنان که باید باشد نیست. به دنبال این وسوسه و تبلیغ، عمال انگلیس به دستور ارباب خود اساس مشروطه را به بازی می‌گیرند؛ و مردم را نیز (طبق شواهد و اسنادی که در دست است) فریب می‌دهند و از ماهیت جنایت سیاسی خود غافل می‌سازند. وقتی که می‌خواستند در اوایل مشروطه قانون بنویسند و قانون اساسی را تدوین کنند، مجموعه حقوقی بلژیکیها را از سفارت بلژیک قرض کردند و چند نفری (که من اینجا نمی‌خواهم اسم ببرم) قانون اساسی را از روی آن نوشتند؛ و نقایص آن را از مجموعه‌های حقوقی فرانسه و انگلیس به اصطلاح "ترمیم" نمودند ! و برای گول زدن ملت بعضی از احکام اسلام را ضمیمه کردند! اساس قوانین را از آنها اقتباس کردند و به خورد ملت ما دادند. این مواد قانون اساسی و متمم آن، که مربوط به سلطنت و ولایتعهدی و امثال آن است کجا از اسلام است؟ اینها همه ضد اسلامی است؛ ناقض طرز حکومت و احکام اسلام است. سلطنت و ولایتعهدی همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده، و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخته است. رسول اکرم (ص) در مکاتیب مبارکش که به امپراتور روم شرقی (هراکلیوس) و شاه ایران نوشته، آنها را دعوت کرده که از طرز حکومت شاهنشاهی و امپراتوری دست بردارند؛ از اینکه بندگان خدا را وادار به پرستش و اطاعت مطلقه خود کنند دست بردارند؛ و بگذارند مردم خدای یگانه و بی‌شریک را، که سلطان حقیقی است، بپرستند. سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سید الشهداء(ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود، و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام نیست. اسلام سلطنت و ولایتعهدی ندارد. اگر نقص به این معنی باشد، اسلام ناقص است! چنانکه اسلام برای رباخواری و بانکداری توام با رباخواری و برای پیاله فروشی و فحشا هم "قانون" و "مقررات" ندارد؛ چون اساساً اینها را حرام کرده است. این هیاتهای حاکمه دست نشانده استعمار که می‌خواهند در بلاد اسلامی چنین کارهایی را رواج بدهند، البته اسلام را ناقص می‌بینند؛ و مجبورند برای این کارها قانونش را از انگلیس و فرانسه و بلژیک، و اخیراً از آمریکا وارد کنند! اینکه اسلام مقرراتی برای سر و صورت دادن به این کارهای ناروا ندارد از کمالات اسلام است؛ از افتخارات اسلام است. توطئه‌ای که دولت استعماری انگلیس در آغاز مشروطه کرد به دو منظور بود: یکی که در همان موقع فاش شد، این بود که نفوذ روسیه تزاری را در ایران از بین ببرد. و دیگری همین که با آوردن قوانین غربی احکام اسلام را از میدان عمل و اجرا خارج کند. (ولایت فقیه، ص ۹ تا ۱۳)

آگهی دعوت از مجاورین و سایر مالکین پلاک ۵۵۰ اصلی بخش شهر کاشمر

بدینوسیله به مالکین پلاکهای ۱۲۴۲ و ۱۲۴۱ و ۱۲۴۰ اصلی بخش شهر کاشمر ابلاغ می گردد با توجه به اینکه وقت تعیین متراژ و مساحت پلاک ۵۵۰ اصلی شهر کاشمر مورد تقاضای آقای محمد افتاده قوزدی که در مجاورت ملک شما می باشد در روز شنبه مورخه ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ ساعت ۱۰ صبح تعیین گردیده و در محل انجام خواهد شد چنانچه در مورد حدود و حقوق ارتفاقی ملک مزبور حقی برای خود قائل هستید و یا اختلافی با مجاور مزبور دارید میتوانید در روز و ساعت مقرر در محل وقوع ملک واقع در کاشمر- خیابان ۱۷ شهریور نبش چهارراه حاضر گردیده و برابر کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامههای ثبتی مطالب خود را اظهار دارید . بدیهی است در صورت عدم حضور عملیات ثبتی برابر مقررات ادامه می یابد

۱_حد شمال پلاک ۱۲۴۲ اصلی سیدعلی سیادتی و غیره
۲_حد غرب پلاک ۱۲۴۱ اصلی احمدقناد وغیره
۳_ حد جنوب پلاک ۱۲۴۰ اصلی عفت غفرانی و غیره

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۶۷۰۰۰۳۵۸ مورخ۱۴۰۲/۳/۲۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامحسین سلمانی یزدی فرزند عباسعلی در ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۸۶۲/۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره صفر فرعی از ۲ اصلی واقع در اراضی ناصر آباد خراسان رضوی بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی محرزگردیده است محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشت باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۴/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۵/۱۱
حمید رضا افشار ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۶۷۰۰۰۳۵۹مورخ۱۴۰۲/۳/۲۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد جواد سلمانی یزدی فرزند عباسعلی در ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۸۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره صفر فرعی از ۲ اصلی واقع در اراضی ناصر آباد خراسان رضوی بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی محرزگردیده است محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشت باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۱۴
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۴/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۵/۱۱
حمید رضا افشار ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای سعید جعفری ترشیزی فرزند ماشا الله به شناسنامه شماره ۱۳۷ متولد ۱۳۴۳/۰۱/۲۲ و شماره ملی ۰۹۰۱۰۸۰۹۰۱ به استناد یک برگ استشهادیه گواهی شده و تقاضای کتبی شماره ۱۰/۱۴۰۲/۳۵۸۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی می باشد سند مالکیت تمامی ۳۶۶/۲۸ سهم مشاع از ۹۱۵۷ سهم ششدانگ یکقطعه زمین پلاک ۹۰ فرعی از ۳۰۲۶ اصلی بخش یک حومه کاشمر به آدرس : کاشمر آرامگاه مدرس به علت سهل انگاری گم شده است و برابر دفتر املاک کاشمر سند مالکیت تمامی ۳۶۶/۲۸ سهم مشاع از ۹۱۵۷ سهم ششدانگ پلاک فوق به شماره چاپی ۶۹۸۲۷۸ سری الف ۹۳ در دفتر ۲۰۶ صفحه ۷ و شماره ثبت ۲۱۶۳۶ و شماره جام ۶۳۲۳۴۹۳۸۹۹۶۷۴۴ به نام آقای سعید جعفری ترشیزی صادر و تسلیم گردیده و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذابه استناد قسمت پنج تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معاملهای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشاراگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یاسند معامله رسمی تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مهلت مقرر عدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر و به متقاضی تحویل خواهد شد.
شناسه ارشاد: ۳۷۴
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی فقدان مدارک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مونا گیویان فرزند محمد حسن به شماره شناسنامه ۷۲۰۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی علوم صنایع غذایی صادره از واحد دانشگاهی آیت الله آملی با شماره ۱۲۸۶۹۷۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی به نشانی آمل، کیلومتر ۵ جاده قدیم آمل به بابل، فرعی دانشگاه ارسال نماید.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای مهدی دادپور به وکالت از محمدتقی شیعی فرزند حسین به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیتمجری و منبع ۷ ساعت و بیست و شش دقیقه آب از مدار ۱۲ شبانه روز و یک روز از قنات جاریه فتح آباد پلاک صفر فرعی از ۱۸ اصلی بخش ۱۲ سبزوار که متعلق به وی می‌باشد به علت نقل مکان مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت فوق‌الذکر ذیل دفتر یک قنوات صفحه ۲۵۰ با مستند انتقال شماره ۴۶۸۳ مورخ ۱۳۴۵/۰۷/۰۳ دفترخانه ۶ سبزوار به نام نامبرده ثبت و سند صادر و تسلیم شده است و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. (م الف ۴۰۲/۱۴۸) سبزوار
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت ازنا

رای به صدور سند ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۶۵۱۷,۱۲ متر مربع از پلاک ۱۵۸ فرعی مفروز از ۱ فرعی از ۴۹ اصلی بخش دو ازنا بنام نوروزعلی زمانی از مالکیت رسمی حسن رضا زمانی. معترضین میتوانند ظرف دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
م الف ۱۱۳۰۶
نوبت اول: ۲۹ تیر ۱۴۰۲ نوبت دوم:۱۴ مرداد ۱۴۰۲
یوسف خیری ـ ریاست اداره ثبت اسناد و املاک ازنا

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت ازنا

رای به صدور سند ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۱۴۹۰,۲۸ متر مربع از پلاک ۱۵۴ فرعی مفروز از ۱ فرعی از ۴۹ اصلی بخش دو ازنا بنام نوروزعلی زمانی از مالکیت رسمی حسن رضا زمانی. معترضین میتوانند ظرف دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.
م الف ۱۱۳۰۶
نوبت اول: ۲۹ تیر ۱۴۰۲ نوبت دوم:۱۴ مرداد ۱۴۰۲
یوسف خیری ـ ریاست اداره ثبت اسناد و املاک ازنا

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۱۳۶۱ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسینعلی مهدوی برکل فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۱۰/۹۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی بخش ۹ واقع در جاده سرخس روبرو نیروگاه برق اراضی بجمهن خریداری از مالک رسمی آقای علی مهدوی برکل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۹۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹
بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه پنج مشهد

سند مالکیت (برگ سبز) و سند کارخانه پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۸ به رنگ نقره‌ای و به شماره انتظامی ۵۸-۸۱۴ب۱۹ و شماره شاسی NAAM11CAX9K969281 و شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۲۸۲۵۹ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

برگ سبز خودرو وانت کامیونت ون مدل ۱۴۰۰به شماره پلاک ۸۴-۶۱۲ق۸۱ و شماره موتور M24875323M و شماره شاسی NAZPL140TM06653845 مریم قاسمی گوربندی مفقود گردیده و از درجه اعتبار مفقود می‌باشد.

برگ سبز تراکتور کشاورزی مدل ۱۳۸۵به رنگ قرمز و شماره پلاک ۸۴-۶۴۴ک۱۲ و شماره موتور LFW1672VS و شماره شاسی E13221 بنام غلامرضا دانشور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی مدارک خودرو

برگ سبز و کارت خودو کامیون کشنده ولوو تیپ اف اچ ۱۲ به رنگ سفید - سفید روغنی مدل ۱۳۸۱ شماره موتور ۲۹۶۴۴۵ و شماره شاسی YV2A4CEA62T833238 و شماره پلاک ۳۳- ۵۹۲ ع ۶۶ به نام فاطمه کاظمی به شماره ملی ۵۶۳۹۵۴۶۴۱۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قرارداد واگذاری زمین مسکونی بنیاد مسکن به مساحت ۴۴۶/۲۸ قطعه ۱۲۲۸ بنام آمنه علی ابادی دارای کد ملی ۳۴۲۱۹۷۵۴۵۰ به نشانی روستای راونگ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

(آگهی مفقودی)

سند، کارت و برگ سبز خودرو سواری پراید 131SL به رنگ سفید مدل ۱۳۹۱ شماره انتظامی ۳۴-۸۹۳ط۷۵ شماره موتور ۴۸۱۲۷۱۳ شماره شاسی NAS411100C1191289 بنام حسن عبداله‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ماهشهر

مفقودی

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پژوپارس مدل ۱۳۸۷ رنگ نقره‌ای متالیک به شماره راهنمایی ایران۸۲-۱۴۶ط۴۸ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۳۸۳۶۹ به شماره شاسی NAAN01CAX9E807043 متعلق به آقای ناصر مهدی‌نژاد حور مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. سلمانشهر

برگ سبز سواری پژو ROA مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۲۵-۲۶۳ص۲۸ به شماره موتور ۱۱۶۸۷۰۱۰۱۸۳به‌شماره‌شاسی NAAB21AA28H002389 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فقدان سند

برگ سبز خودروی سواری پژو آردی مدل ۸۲ به شماره شهربانی ایران ۱۵ - ۴۹۱ ص ۴۳ همچنین شماره موتور ۲۲۳۲۸۱۲۳۲۴۷ و شماره شاسی ۸۱۷۲۳۶۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز)، سند کمپانی (کارخانه) و سند فاکتور فروش خودروی سواری سیستم سمند تیپ ال ایکس مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای - متالیک و شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۰۸۹۵۴ و شماره شاسی ۱۷۶۱۷۵۸۹ و شماره پلاک ایران ۱۱- ۵۶۷ ل ۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بندرترکمن

سند کارخانه و برگ سبز خودرو سواری پراید به رنگ سفید مدل ۱۳۸۲ پلاک ۴۵۶س۷۲ ایران ۶۳ شماره موتور ۰۰۶۳۰۶۹۸ شماره شاس S1482282105714 به نام مصطفی مطوریان با کد ملی ۲۲۸۱۲۲۲۸۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

اصل سند کارخانه و برگ سبز (شناسنامه) مالکیت خودرو سواری پژو 405SLX-TU5 به شماره انتظامی ۴۵ - ۹۶۳ م ۷۳ به شماره موتور 164B0094247 و شماره شاسی NAAM31FE0GK267194 بنام امیر رضا ایرانمنش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است ./. کرمان

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب مهرداد دهقانی فرزند مهرداد به شماره شناسنامه ۳۴۹۰۴۱۲۴۶۱ صادره از بوشهر در مقطع کاردانی پیوسته رشته نرم افزار کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی آزاد بوشهر-آموزشکده فنی و حرفه ای سما با شماره ۴۰۱/۴۱۹/۴۰۳ -۱۰۶۷۴۸۸۷۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر- آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما ارسال نماید.

سند مالکیت خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۶۲ایران ۷۴۵ س ۱۷ و به شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۲۲۵۳۴ و شاسی ۸۳۰۰۹۶۷۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (قائم شهر)

مفقودی

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید روغنی به شماره راهنمایی ایران۸۲-۱۳۲ط۶۵ به شماره موتور 182A0050995 به شماره شاسی NAAP03EE2KJ313190 متعلق به خانم سمیه رودگر دانیالی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. سلمانشهر

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۵۷ن۴۵ ایران ۲۸ به شماره موتور FSS1479242498 و شماره شاسی ۸۳۶۴۲۷۰۳ بنام اینجانب عباس رحیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ملایر

آگهی مفقودی

سند کمپانی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۱۳۱ ص ۹۳ ایران - ۶۷ و شماره موتور۱۲۴۸۷۰۱۸۵۱۲ شماره شاسی NAAN01CA08E703255 مفقود گردیده فاقد اعتبار است.
(زرین شهر)

آگهی مفقودی

کلیه اسناد و مدارک اصل سند کمپانی وبرگ سبز سواری پژو207MT مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۱۴۲ س ۳۳ ایران - ۲۳ و شماره موتور 17AB0125631 شماره شاسی NAAR03FE8PJ550653 به نام زهرا السادات هاشمی تیرانچی مفقود گردیده فاقد اعتبار است. (رهنان)

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو سواری هاچ بک برلیانس H220 مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۶۲۹ص ۳۸ ایران - ۸۸ و شماره موتور BM15L/F0480865 و شماره شاسی NAS721100G1001756 به نام شهرام قنبری مفقود گردیده فاقد اعتبار است. (رهنان)

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی وانت پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۹۵۸ ه ۶۱ ایران - ۷۳ و شماره موتور 118B0042001 و شماره شاسی NAAA36AA2EG643601 به نام علی رضا باقری مفقود گردیده فاقد اعتبار است. (رهنان)

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی سواری پژو پارسTU5 مدل ۱۳۹۶ به شماره انتظامی ۳۷۵ م ۶۶ ایران - ۷۳ و شماره موتور 181B0050282 و شماره شاسی NAAN11FE8HH059198 به نام عباس سیار مفقود گردیده فاقد اعتبار است. (رهنان)

آگهی مفقودی

کلیه اسناد و مدارک، اصل سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید جی .تی. ایکس .آی مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۹۷۳ ژ ۱۱ ایران - ۱۳ و شماره موتور ۰۱۱۳۷۹۹۷ و شماره شاسی S 141222